



محصول باورهایمان هستیم

گپ‌وگفتی با مهندس سجاد شبانی قهرودی نویسنده کتاب «مهندسی فرایند دعا»

اشاره

«مهندسی فرایند دعا» عنوان یکی از کتاب‌هایی است که در پانزدهمین جشنواره کتاب رشد، شایسته تقدیر شناخته شد. مؤلف این کتاب، مهندس سجاد شبانی قهرودی است.

او در سال ۱۳۶۸ در تهران متولد شده و دارای مدرک کارشناسی ارشد مهندسی شیمی از دانشگاه دولتی کاشان است. ایشان نویسنده کتاب دیگری با عنوان «شکر کنید و رشد کنید» است و اعتقاد دارد که این کتاب، پایه و اساس کتاب مهندسی فرایند دعاست و پیشنهاد می‌کند این کتاب، قبل از خواندن کتاب «مهندسی فرایند دعا»، مطالعه شود. چون این کتاب نگاهی مثبت اندیش و عارفانه به انسان می‌دهد.

آنچه در پی می‌آید، حاصل گفت‌وگویی است که با وی داشته‌ایم.

«مهندسی فرایند دعا» است و اگر کسی بخواهد هر دو کتاب را بخواند، اول باید کتاب «شکر کنید و رشد کنید» خوانده شود. حرف‌های موجود در کتاب «مهندسی فرایند دعا» بر مبنای تجربیات زندگی خودم بوده که به کتاب تبدیل شده است. برای نوشتن کتاب با استنادی مشورت کردم و آن‌ها پیشنهاد کردند که تجربیاتم را به کتاب تبدیل کنم. به چند دلیل، مشابه این کتاب‌ها در ایران وجود ندارد. با وجودی که درباره دعا کتاب‌های زیادی نوشته شده، ولی هیچ کدام نظام یا الگوریتمی در ارتباط با دعا ارائه نکرده‌اند تا فرایند دعا برای همگان مشخص شود و دیگران نیز بتوانند، با استفاده

● **چطور شد که به فکر نوشتن چنین کتابی افتادید و ایده و اندیشه تألیف این کتاب را از کجا گرفتید؟**

من از نوجوانی به حوزه دینی علاقه داشتم، ولی شاید اتفاقاتی که در زندگی‌ام رخ دادند، باعث شدند به این مبحث نیاز پیدا کنم و در واقع مقدمه‌ساز نوشتن کتاب شدند و مرا به سمت تحقیق درباره این موضوع هدایت کردند. کتاب «مهندسی فرایند دعا» به‌عنوان کتاب تقدیری انتخاب شد که این امر مرا شگفت‌زده کرد. چون من دو کتاب به جشنواره ارسال کرده بودم. یکی این کتاب و دیگری کتاب «شکر کنید و رشد کنید». به نظر خودم پایه و اساس این کتاب خیلی قوی‌تر از کتاب

از آن فرایند به نتیجه برسند و عموم مردم نیز بدانند، چرا دعاهایشان مستجاب می‌شود یا نمی‌شود و چگونه باید دعا کنند. «کتاب مهندسی فرایند دعا» از این نظر در ایران و جهان بی‌نظیر است.

ولی خیلی خلاصه اگر بخواهم بگویم، اساس دعا شکرگزاری است. اگر دعا را ساختمانی فرض کنیم، شکرگزاری فونداسیون و پی آن است. برای ساخت یک ساختمان پنج طبقه به نسبتی به فونداسیون نیاز دارید که با ساختمان ده طبقه فرق می‌کند. دعا مانند ساختمانی است که بالا می‌رود. اگر می‌خواهید به چیزهای بزرگ‌تری برسید، باید فونداسیون قوی‌تری داشته باشید. یعنی باید شکرگزاری قوی‌تری داشته باشید.

حضرت عیسی مسیح (ع) در «انجیل» می‌فرماید: «برای هیچ چیز نگران نباشید، بلکه در هر چیز با دعا همراه با شکرگزاری، خواسته‌های خود را به خدا ابراز کنید.»

مولوی می‌گوید:

سیاس و شکر خدا را که بندها بگشاد
میان به شکر جو بستیم بند ما بگشاد
به جان رسید فلک از دعا و ناله من
فلک دهان خود اندر ره دعا بگشاد

یعنی ما که در بند زندگی بودیم، ابتدا شکرگزاری کردیم. خدا ما را رها کرد و بعد با دعا کردن آنچه را می‌خواستیم از خداوند دریافت کردیم. شکرگزاری اساس و پایه دعاست. من در کتاب مهندسی فرایند دعا، یک نوع سبک زندگی را طراحی کرده‌ام. گاهی شما به کسی می‌گویید: برو و شکر کن. اما ذهن ما به دلایل متفاوت موضوعاتی را پیدا می‌کند که دلیلی برای شکرگزاری نمی‌بیند.

در این کتاب من نگفته‌ام شکر کنید، بلکه دلایل ناشکری انسان را همچون جراحی موشکافی کرده‌ام. البته تمام آن موارد، قبل از هر کسی در وجود خودم بوده‌اند.

بعد برای هر دلیل ناشکری، پاسخ‌هایی را مطرح کرده‌ام و قصدم این بوده است که فرد با خواندن کتاب، ناخودآگاه به انسانی شکرگزار تبدیل شود. وقتی فرد توانست انسانی شکرگزار باشد، با قوانین دعا آشنا می‌شود و آن قوانین را یاد می‌گیرد تا بتواند به خواسته‌هایش برسد.

● آیا امکان دارد وقایعی را که در زندگی‌تان رخ داده و شما را به سمت این موضوع هدایت کرده‌اند، برایمان بازگو کنید؟

نمی‌خواهم به آن مشکلات اشاره کنم. ولی وقتی انسان‌ها در زندگی‌شان به بن‌بست می‌رسند، دو کار می‌کنند: یا به دنبال راه‌فرار می‌گردند، یا چاره‌ای می‌جویند تا آن مشکل را حل کنند. آن عده که فرار می‌کنند مورد بحث نیستند. اما آن‌هایی که می‌خواهند از بن‌بست عبور کنند، به یک سلسله اهرم‌هایی دست پیدا می‌کنند. اهرم‌ها هر چیزی می‌توانند باشند. ممکن است کسی تلاشش را بیشتر کند، دیگری علمش را اضافه کند و

علم جدیدی بیاموزد، یا سفر کند و یا فردی مجموعه‌ای از تمام این کارها را انجام دهد.

یکی از کارهایی که من در بن‌بست زندگی‌ام انجام دادم، چون آن زمان کسی برای کمک کردن نداشتم یا کسی نمی‌توانست کمک کند، با خدا ارتباط گرفتم.

البته تمام انسان‌ها وقتی به حالت اضطراب و اضطرار می‌رسند. خداوند کمکشان می‌کند و دری به رویشان گشوده می‌شود.

در این حالت‌ها بودم که آن مراحل به من الهام شد. چون من نه روحانی هستم، نه نویسنده بودم و نه اصلاً قصد نوشتن کتاب داشتم. دو سال با کتاب‌هایی که در این حوزه نوشته شده بود، زندگی کردم و بعد کتاب مهندسی فرایند دعا را نوشتم.

● شرایطی که برای شما پیش آمد، باعث شد مطالعه کنید؟

باعث شد تحقیق کنم. چون من قبلاً درباره دعا شنیده بودم، ولی اینکه چگونه با دعا به خواسته‌ام برسم، برایم غیرقابل فهم بود.

همه می‌گویند خدا گفته است: «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ»:

(بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را)؛ با خودم فکر کردم، پس من چرا هر چه دعا می‌خوانم و خدا را صدا می‌کنم، به هیچ خواسته‌ام نمی‌رسم؟! یا این همه مردم دعا می‌کنند، چرا دعاهایشان مستجاب نمی‌شود؟ این دعاها کجا می‌روند؟ آیا دعا فایده‌ای دارد و یا این گفته، ادعا و دروغ است؟

با خودم گفتم من باید فرایند دعا کردن را پیدا کنم و یاد بگیرم که چگونه دعا کنم تا به خواسته‌ام برسم. چون اگر دعا واقعی باشد، حتماً باید فرایندی داشته باشد. من تمام سعی‌ام را کردم تا فرایند دعا را پیدا کنم. حالا موفق بودم یا ناموفق، نمی‌دانم. اما الگوریتم یا فرایند را با سعی خودم پیدا کردم که چگونه انسان می‌تواند با دعا به خواسته‌اش برسد و شرایط دعا چه چیزی می‌تواند باشد.

● آیا به خواسته خود رسیدید؟ در خواستتان از خداوند مورد اجابت قرار گرفت؟

بله، به خواسته‌ام رسیدم، وقتی شما برای رسیدن به چیزی دعا می‌کنید، دو حالت دارد: یا شما به خواسته خود می‌رسید یا به چیزی بهتر از خواسته خود دست می‌یابید که حتی خواست قبلی را فراموش می‌کنید یعنی دیگر به آن نیاز ندارید یا آن را نمی‌خواهید. برای من هر دو حالت رخ داد. هم توانستم به خواسته‌ام برسم و هم به چیزهای بهتر از آن رسیدم که قبلی را نخواستم. ولی مهم‌تر از همه رسیدن من به آن الگوریتم و رسیدن به خواسته‌ام بود.

وقتی باخبر شدم کتاب مهندسی فرایند دعا، شایسته تقدیر شناخته شده است، تعجب کردم. چون کتاب دیگرم، یعنی کتاب «شکر کنید و رشد کنید» پایه و اساس این کتاب است و فکر می‌کردم آن کتاب برگزیده شود



● چرا در انتخاب نام کتاب، از عنوان مهندسی فرایند استفاده کرده‌اید؟ هدف خاصی داشته‌اید؟

من در کتاب یک مجموعه پیش نیازها را مطرح کرده‌ام که قبل، حین و بعد از دعا لازم‌اند. دعا به صورت کلی خوب است، چون در هر صورت با خدا ارتباط برقرار می‌کنید. اما من در ابتدای کتاب گفته‌ام که هر کسی برای رسیدن به چیز خاصی مثل شفای مریض دعا می‌کند، شرایط کلی آن بدین صورت است که ابتدا باورهای ذهنی افراد را درست می‌کنیم که اگر انسان از خدا بخواهد، خداوند به او خواسته‌اش را می‌دهد. یعنی انسان به این باور برسد که خداوند از قبل می‌خواهد خواسته‌ها را اجابت کند.

فرایند برعکس است. مثلاً من ماشین نیز می‌خواهم، چرا شما ماشین بنز نمی‌خواهید؟ چون رویای ماشین بنز به من تعلق دارد، نه به شما. یعنی من خواسته جدیدی ندارم، بلکه خداوند از قبل به من ذهنی داده است که من یک سلسله خواسته داشته‌ام و بعد خداوند آن‌ها را به من بدهد. به همین دلیل خواسته‌های انسان‌ها متفاوت است. در واقع رویایی وجود دارند که خداوند آن‌ها را بعداً به افراد می‌دهد و رویاها را به واقعیت تبدیل می‌کند.

در واقع فرایند برعکس اتفاق می‌افتد. به همین دلیل است که گفته می‌شود، به کسی که دعا کردن به او عطا شده، اجابت هم داده شده است. یعنی از قبل رویای هر فرد به او داده شده است. مثل دانه گندم است. فرصت گندم شدن در خود دانه از قبل نهفته است و فقط باید به فعلیت برسد. دانه گندم هیچ‌گاه نمی‌تواند به جو تبدیل شود. اولین چیزی که هر انسانی باید بداند این است که اگر چیزی را با تمام وجود می‌خواهد، آن خواسته از قبل توسط خداوند به او داده شده است تا بعداً محقق کند. وقتی انسان این موضوع را بداند باید به سمت آن حرکت کند.

یک سلسله شرایط قبل از دعا داریم مهم‌ترینشان این است که خداوند آن را عطا می‌کند. دوم اینکه انسان باید خودش آن را به فعلیت برساند.

بعد شرایط حین دعا را داریم. زمانی که برای خواسته‌های دعا می‌کنید، اصل علمی‌اش تلقین به نفس است. ما یک ضمیر ناخودآگاه روح الهی داریم که براساس تلقین به خود، کار می‌کند. به همین دلیل است که ما روزانه پنج نوبت نماز می‌خوانیم. یا خداوند می‌گوید: «إِقْرَأْ» (بخوان)، «قل هو الله احد» و «قل اعوذ برب الناس». گفتن این کلمات باعث می‌شود که ما به خودمان تلقین کنیم و در ضمیر ناخودآگاهمان کاشته شود. چرا این اتفاق رخ می‌دهد؟ چون همه ما دارای یک روح

الهی هستیم. (و نفخت فیه من روحی)؛ و این روح در وجود همه انسان‌ها هست، اما همه قادر به کشف آن نیستند. کسی می‌تواند این موضوع را کشف کند که به خودش تلقین کند. یکی از باطن‌های عبادات شخصی و فردی، مثل خواندن نماز در دل شب، این است که در تاریکی به خودت تلقین می‌کنی و باورهایت اضافه می‌شوند. وقتی تخم باورها در وجودت نشست و توانستی با آن باور زندگی کنی، بعدها بذرش را دریافت خواهی کرد.

همه فرایند دعا را اگر بخواهم بگویم این است که خواسته‌ها را از عالم بیرون به عالم درون خود منتقل می‌کنی و بعد حس می‌کنی که متعلق به توست و در دستان تو قرار دارد. در این حالت که شرایط بیرون هم غیر از این را به تو می‌گوید که باید با آن حالت و حس درونی داشتن خواسته‌ها زندگی کنی در این مورد می‌توانم حضرت یعقوب را مثال بزنم. حس درونی حضرت یعقوب می‌گفت که یوسف زنده است و برمی‌گردد. این حس درونی از قلب انسان ناشی می‌شود. من در کتاب این موضوع را به طور واضح شرح داده‌ام.

باب وحی پیامبرانه بر ما انسان‌ها بسته شده است، اما در وحی‌ای که بر تک‌تک انسان‌ها صورت می‌گیرد، بسته نشده است. چرا؟ چون هر انسانی قلب دارد و قلب خانه خداوند است. عرفا هم گفته‌اند که اگر کسی بتواند قلبش را خوب شست و شو بدهد و پاک کند، می‌تواند الهامات خداوند را دریافت کند. مثل مادری که می‌گوید دلم شور افتاده است. یا کسی که حس می‌کند قرار است اتفاق خوبی رخ بدهد. تمام این‌ها نشان می‌دهند که دل، راداری است که در حال دریافت اطلاعات عالم است. منتها ما نمی‌فهمیم که چیست و فقط آن را حس می‌کنیم. تمام فرایند دعا هم فقط همین حس است. یعنی کسی که دعا کرده باشد و دعایش مستجاب شده باشد، حس قلبی‌اش محقق شده است.

یعنی هر فرد خودش می‌داند که چه اتفاقاتی در آینده برایش رخ می‌دهد. ممکن است هزار نفر دیگر او را دیوانه خطاب کنند و بگویند امکان ندارد آن اتفاق برایت رخ بدهد. یک نمونه‌اش امام خمینی (ره) است. امام خمینی در سال ۱۳۴۲ گفت می‌خواهد انقلاب کند. اما تمام آدم‌های عادی حتی سایر علما می‌گفتند: چگونه می‌خواهد این کار را انجام بدهد؟

چرا امام خمینی براساس خواسته‌اش اقدام کرد و به جلو رفت؟ چون از قبل به او داده شده بود و ایشان به اطمینان قلبی رسیده بود. هیچ انسان عاقلی براساس عقل نمی‌توانست بپذیرد که امام خمینی شاه را برکنار کند، ولی شد. در عالم موفقیت می‌گویند شرایط بیرونی مهم نیست، بلکه شرایط درونی خود فرد اهمیت دارد. عالم بیرون نمادی از عالم درون توست.

همه چیز این‌گونه است: آنچه که هر انسانی بتواند از درون

در کتاب مهندسی فرایند دعا، نوعی سبک زندگی را طراحی کرده‌ام و قصدم این است که هر فرد با خواندن این کتاب، ناخودآگاه شکر گزار شود

باور داشته باشد و آن را به خود القا کند و یا آن را ایجاد کند، در عالم بیرون نمود پیدا می‌کند. در واقع انسان‌ها با باورهای درونی خودشان سازندگان این دنیا هستند. مثال‌های خیلی زیادی وجود دارد.

مثلاً به ادیسون چیزی به‌عنوان اختراع لامپ القا شده بود. ادیسون راه‌های متفاوتی را امتحان کرد و هزار بار هم شکست خورد. به او گفتند: «هزار بار شکست خوردی، از کارت دست‌بردار.» اما چون از قبل می‌دانست چنین چیزی وجود دارد و در رویایش دیده بود، گفت: «من هزار بار شکست نخوردم، بلکه هزار راه پیدا کردم که لامپ با آن‌ها تولید نمی‌شود. پس باید به دنبال راه حل هزار و یکم بگردم.» آدم‌های مختلفی مانند ادیسون هستند.

نکته دیگر اینکه بین اجابت و تحقق دعا هم فرق است. قوم حضرت موسی (ع) دعا کرد که فرعون نابود شود و خداوند فرمود: قد اجیب دعوتکما. ولی فرعون ۴۰ سال بعد نابود شد. خداوند به حضرت موسی (ع) همان موقع می‌گوید که دعوت تو را اجابت کردم، ولی در عالم ماده ۴۰ سال بعد اتفاق می‌افتد و این تفاوتی است که خیلی از انسان‌ها آن را درک نمی‌کنند و یاد نمی‌گیرند. همین موضوع باعث می‌شود که به خواسته‌هایشان نرسند.

خداوند می‌گوید: «بنده من دعا کردی و من خواسته‌ات را به تو دادم. منتها تو صبر نکردی تا آن به تو برسد و گمان کردی که دعایت اثر نداشته است.» در آن هنگام خدا می‌گوید: «از من ناامید شد و رفت.»

در واقع در دعا کردن، ایمان افراد توسط خداوند سنجیده می‌شود. وقتی افراد دعا می‌کنند، حسی از طرف خداوند به آن‌ها داده می‌شود و آنان باید تا تحقق آن در عالم ماده صبر کنند. زمان تحقق ممکن است از یک روز تا ده سال، کمتر و بیشتر فرق کند که به خواسته یا مقام شخص درخواست‌کننده بستگی دارد.

ولی تمام آنچه در فرایند دعا وجود دارد، رسیدن هر شخص به باور ذهنی‌اش و زندگی کردن با آن است که مثال‌ها و نمونه‌های آن در دنیا فراوان‌اند.

● چرا از واژه مهندسی در نام کتاب استفاده کرده‌اید؟

چون خودم مهندسی خوانده‌ام و می‌دانم اگر کسی الگوریتم مهندسی ارائه کند، دیگران براساس همان الگوریتم و همان فرایند، به نتیجه یکسان می‌رسند. دقت علوم مهندسی جهان‌شمول است. یعنی هر کسی در هر جای دنیا با استفاده از آن الگوریتم، به نتیجه اصلی کاشف آن می‌رسد. من هم از این نظر نام کتاب را «مهندسی فرایند دعا» گذاشتم که اگر کسی مراحل دعا را طبق فرایند کتاب طی کند، همان نتیجه‌ای را می‌گیرد که من گرفتم.

● شما در تحقیقات خود از چه منابع و اشخاصی استفاده کردید؟

منبع اصلی من قرآن بوده است. اگر در ارتباط با موضوعی، مطلبی در قرآن پیدا نمی‌کردم که به آن موضوع اشاره کند، برایم قابل قبول نبود.

البته از دوران نوجوانی نعمت زیاد خواندن قرآن به من عطا شده بود و من تسلطی نسبی روی آیات و موضوعات آن داشتم. وقتی حرف دعا شد، به دنبال آیه‌های دعا در قرآن گشتم و هر موضوعی را که به دعا مربوط می‌شد، از قرآن جمع‌آوری کردم. مثل دعاهایی که پیامبران در قرآن داشتند و به آن‌ها اشاره شده بود.

بعد از قرآن سراغ احادیث رفتم. از طریق قرآن و احادیث پایه و اساس تحقیق من شکل گرفت. بعد از آن مطالب گردآوری شده را دسته‌بندی و تقسیم‌بندی کردم. البته باید بگویم که کتاب‌های موفقیت را هم زیاد مطالعه می‌کنم. از قرآن، احادیث و کتاب‌های موفقیت، معجونی استخراج کردم که حاصل آن کتاب مهندسی فرایند دعا شد؛ کتابی که اصلاً شبیه کتاب دینی نشده است. پایه و اساس کتاب من، دینی اما به سبک کتاب‌های موفقیت امروزی است.

من در نوشتن کتابم از این کتاب‌ها هم استفاده کرده‌ام: کتاب «بیندیشید و ثروتمند شوید» و کتاب‌های خانم کاترین پاندر، آنتونی رابینز، ناپلئون هیل، دارن هاردی، جیمز آلن، شهید مطهری، استاد حسن‌زاده آملی و آیت‌الله بهجت، و همچنین از نظرات خانم دکتر مریم محمودزاده که استاد حوزه و دانشگاه هستند و استاد بهنام بستان

استفاده کردم. آقای بستان نظریه پرداز هستند و ۱۲ جلد کتاب روان‌شناسی و جامعه‌شناسی دارند که مهم‌ترین کتاب ایشان «جامعه‌شناسی و روان‌شناسی تغییر» است. در حال حاضر مدرس علوم موفقیت، ان ال پی و هیپنوتیزم هستند. جرقه نوشتن کتاب در کلاس‌های ایشان زده شد و خودباوری نوشتن کتاب از ایشان به من داده شد.

● در حال حاضر چه کار می‌کنید و کجا مشغول هستید؟
شغل آزاد دارم و در مغازه پدرم در حوزه فروش لوازم چرخ خیاطی مشغول به کار هستم.

● چکیده‌ای از کتاب را به ما می‌گویید؟

حرف کتاب این است: هر انسانی که برای رسیدن به هدف خاصش از یک مجموعه اهرم‌ها استفاده می‌کند، باید دعا را نیز مدنظر قرار بدهد و آن را به‌عنوان یک اهرم مهم در تسریع رسیدن به مقصود لحاظ کند. چون هر جا که بحث دعا باشد،

**وقتی انسان توانست
شکرگزار باشد، با قواعد
دعا آشنا می‌شود و آن
قوانین را یاد می‌گیرد تا
بتواند به خواسته‌هایش
برسد**



بحث عطا هم به دنبالش می‌آید. یعنی دعا کردن، امدادهای عینی و عطا کردن خداوند را به همراه دارد و مرا به آنچه که از اراده‌ام خارج است، می‌رساند.

حضرت سلیمان چگونه توانست ملک عظیم را به دست آورد؟ به وسیله یک دعای کوتاه. حضرت سلیمان گفت: «رب اغفر لی وَهَبْ لی مُلْکاً لَا یَنْبَغی لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِی.»

متأسفانه ما ایرانی‌ها گاهی به اشتباه فکر می‌کنیم که دعا خواندن فقط ۵۰ صفحه «جوشن کبیر» یا دعای کمیل به همراه اشک فراوان و دعای ابو حمزه شمالی است. اصلاً این طور نیست. برای ما انسان‌های معمولی دعا کردن بسیار آسان‌تر است. دعاها طولانی برای عرفا است که می‌خواهند ارتباطشان با خداوند بیشتر و نزدیک‌تر شود.

فرایند دعا برای ما انسان‌های معمولی فقط باور به بخشش و عطا خداوند درباره خواسته‌هایمان و زندگی با آن‌هاست.

کتاب، این نوع تفکر را به ذهن انسان تلقین می‌کند که: ای انسان اگر می‌خواهی به خواسته‌ات برسی، به پارتی بازی و استفاده از شیوه‌های ناهنجار نیازی نیست؛ بلکه برعکس، برای رسیدن به خواسته‌ات باید امیدت را از دیگران قطع کنی و بدانی که سود و زیان به دست کسی جز خداوند نیست.

اگر به خواسته‌هایتان با شیوه‌های نادرست و ناهنجار دست پیدا کنید، چون الهی نیستند، پایداری ندارند. اما اگر از طریق خداوند به خواسته‌هایتان برسید، تمام ناشدنی و پیدارند. «وَ إِنْ یَمْسَسْکَ اللَّهُ بَصْرَ فِلا کَاشَفَ لَهُ الْآهُوَ وَ إِنْ یَمْسَسْکَ بِخَیْرٍ فَهُوَ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ»: اگر خداوند بخواهد به تو ضرری برساند، هیچ‌کس نمی‌تواند آن را از تو دفع کند و اگر بخواهد خیری به تو برساند، او بر هر کاری توانمند است.

این کتاب به‌طور خلاصه می‌تواند انسان را از همه متعلقاتی که به غیر از خدا دارد، جدا کند و انسان را فقط با خداوند متصل سازد. مثل سیمی که لخت شده است و برق را از خودش انتقال می‌دهد.

همه ما دارای ذات الهی هستیم و ذات الهی پاک است. اگر بتوانیم کثیفی‌های وجودمان را پاک کنیم، ذات الهی و پاک وجودمان بروز می‌کند.

● گفتید کتاب «شکر کنید و رشد کنید» پایه و پیش‌نیاز

درک بهتر «مهندسی فرایند دعا» است. از کتاب شکر کنید و رشد کنید هم بگویید.

خودم کتاب شکر کنید و رشد کنید را بیشتر دوست دارم، چون فراگیرتر است و در ایران بیشتر به کارمان می‌آید. ما آدم‌ها چه از نظر ظاهری و چه از نظر نوع زندگی با هم فرق داریم و همین تفاوت‌ها باعث می‌شوند که ناشکری در افکارمان به‌وجود بیاید. کتاب شکر کنید و رشد کنید، جهان‌بینی مبتنی بر مثبت‌اندیشی به انسان ارائه می‌کند و می‌گوید: «ای انسان به آنچه که داری توجه کن. در این صورت بیشتر به تو عطا خواهد شد.»

● برای ادامه فرایند مطالعه و تحقیقات خود و نوشتن کتاب‌های جدید برنامه‌ای دارید؟

متأسفانه نوشتن کتاب در ایران حامی ندارد. من کتاب‌های خوبی نوشته‌ام و هر کسی هم خوانده، گفته است که کتاب‌های خوبی هستند. من در اینترنت این کتاب‌ها را به‌صورت تضمینی می‌فروشم. بدین معنا که می‌توانند کتاب‌ها را بخردند و بخوانند. اگر خوب نبود می‌توانند برگردانند و پولشان را پس بگیرند. من کتاب‌ها را به چند ارگان فرهنگی داده‌ام که یکی از آن‌ها سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی است. و خوش‌بختانه کتاب‌ها را دیده‌اید. مقام آوردن کتاب برایم مهم نیست؛ اینکه به کتاب‌هایم نگاه کرده‌اید، برایم مهم‌تر است.

خودم کتاب را نوشته‌ام و با هزینه شخصی خودم به مبلغ ۱۲ میلیون تومان آن را چاپ کرده‌ام تا جامعه را آگاه کنم. وقتی می‌بینم هیچ ارگانی از من حمایت نمی‌کند و هر کدامشان بهانه‌ای برای نخریدن کتاب می‌آورند، چگونه مردم عادی می‌توانند به کتاب‌های من اعتماد کنند؟

کتاب حتماً باید پشتوانه قوی داشته باشد تا مردم عادی به آن اعتماد کنند. چه کسی سجاد شبانی را می‌شناسد؟ چون مردم مرا نمی‌شناسند، بنابراین باورم نمی‌کنند، چون کسی پشت من نیست که از من حمایت کند. البته خدا همواره از من حمایت می‌کند.

وقتی این شرایط را می‌بینم، چرا باید وقت و انرژی‌ام را برای علمی بگذارم که برای دیگران ناشناخته می‌ماند و کسی از آن حمایت نمی‌کند؟ من علمم را در سینه خودم نگه می‌دارم و آن را به اطرافیانم انتقال می‌دهم.

اگر روزی کسی از کتاب من حمایت کرد، می‌فهمم که کارهایم نتیجه داده‌اند و می‌توانم به نوشتن کتاب دیگری امیدوار باشم.

نام کتاب را مهندسی فرایند دعا گذاشتم؛ چون اگر کسی مراحل دعا را طبق فرایند همین کتاب طی کند، همان نتیجه‌ای را می‌گیرد که من گرفتم